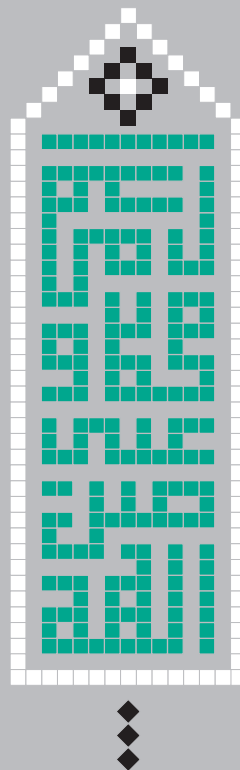


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه: رجبی، محمدعلی، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور: هنر فطری: بر مبنای آموخته‌هایی از هنر کودکان/ محمدعلی رجبی دوانی؛
ویراستار سیما سرشار؛ [آیرای] پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص.: مصور (بخشی رنگی).؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۹۵-۷-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۶۲ - ۲۶۴.
یادداشت: نمایه.

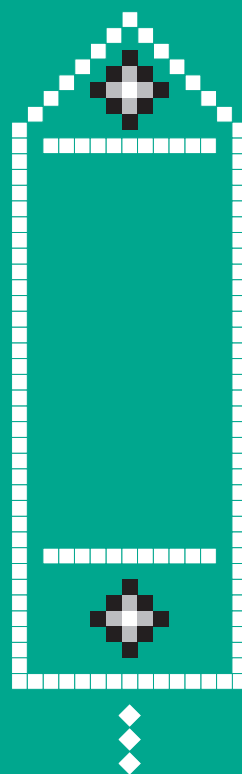
موضوع: نقاشی و نقاشی‌های کودکان Children's drawings
نقاشی و نقاشی‌های کودکان -- زمینه و موضوع Children's drawings -- Themes, motives
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده‌بندی کنگره: N۳۵۲

رده‌بندی دیویی: ۷۴۱/۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۹۴۶۴۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

هنر فطری

بر مبنای آموخته‌هایی از هنر کودکان
محمد علی رجیبی دوانی





انتشارات سوره مهر
وابسته به حوزه هنری
www.sooremehr.ir

تهران، خیابان حافظ،
خیابان رشت، شماره ۲۳،
صندوق پستی: ۱۷۸۱۱-۱۵۹۱۸
سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹
تلفن: ۶۱۹۴۲
فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱
تلفن مرکز پخش: (۵ خط)
۶۶۴۶۰۹۹۲

نشانی پژوهشکده:
تهران، خیابان سمیه،
حوزه هنری،
پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲
شماره تماس: ۹۱۰۸۸۲۷۱
۰۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸



با اسکن
رمزیننه از
دیگر آثار
پژوهشکده
آگاه
شوید.

کتاب‌ها در زمین ریشه دارند

طبق تفاهم‌نامه انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد.



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فروشگاه اصفهان:

میدان انقلاب، سینما ساحل، کد پستی ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱
تلفن: ۶-۳۱-۳۲۲۴۷۷۳۵

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

هنر فطری

بر مبنای آموخته‌هایی از هنر کودکان

نویسنده: محمدعلی رجبی دوانی

ویراستار: سیما سرشار

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

چاپ و صحافی: پیکان

چاپ نخست: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۵-۵۳-۹۵-۷

فروشگاه مرکزی:

تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ،
جنب حوزه هنری، شماره ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲
فروشگاه انقلاب:

تهران، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، شماره ۱۰۲۳
تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹



تقدیم به همهٔ آنانی که با ظاهری معقول،
شوریدگی درونشان با محبوب ازلی را مخفی می‌دارند
و ما را به نفحات قدسی فطرت خود امیدوار می‌کنند.
باشد که ما نیز رهرو طریق آنان گردیم و رستگار شویم.
ان شاء الله



تنظیم مطالب در این کتاب،
خلاف آمد عادت است.
به لطف فطرت پاکتان نظر در معانی کنید.

فهرست مطالب



- ۹ مقدمه پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
۱۱ پیشگفتار نویسنده



۱۵ مقدمه



۱۹ فصل نخست؛ تمهید مقدمات

- ۱۹ تمهیدات تحقیق
۲۰ تحقیق در متون
۲۲ تحقیقات میدانی
۲۴ شناسایی و بررسی آثار و احوال کودکان استثنایی
۲۵ طبقه‌بندی نقاشی کودکان
۴۲ طبقه‌بندی مطالب



۴۳ فصل دوم؛ مدخل‌های ورود به مبحث هنر کودک

- ۴۳ تاریخچه تحقیقات هنر کودک
۴۶ عالم خیال کودکی
۵۷ تأثیر بازی در شکوفایی خیال کودک
۶۳ مبانی محرک زیبایی‌شناسی عصر کودکی
۶۸ تجلی فطرت در عصر کودکی



۷۵ فصل سوم؛ سیر تطور فطری نقاشی کودکان

- ۷۵ مراحل نقاشی کودکان
۷۶ - دوره تجریدی
۸۰ - دوره عقلانی یا تجربی
۸۲ - دوره احساسی
۸۳ سیر تکوین طراحی کودکان
۸۷ - سیر تکوین نقش خورشید
۹۰ - سیر تکوین نقش انسان
۱۰۲ - سیر تکوین نقش خانه
۱۱۰ - اجمالی از سیر تکوینی نقوش دیگر

۱۱۹	فصل چهارم؛ مختصات فطری نقاشی کودکان
۱۱۹	وجوه اشتراک و افتراق ادراکات کودکان
۱۲۱	مراحل رشد و وجوه اشتراک و افتراق ذوقی دختر و پسر در عصر کودکی
۱۲۵	هنر در عالم کودکان استثنایی
۱۳۰	ابداعات کودکانه

۱۴۵ فصل پنجم؛ معاشران باطنی هنر کودکان

۱۴۵	اقوام بدوی
۱۴۸	کهن سالان
۱۵۴	دیوانگان
۱۵۸	هنرمندان خودآموخته (نائیوها)
۱۶۸	هنر نگارگری تجلی خودآگاهانه عصر کودکی

۱۷۷ فصل ششم؛ زیبایی شناسی فطری هنر کودکان

۱۷۷	زیبایی شناسی فطری انسان
۱۸۴	نسبت کودک با امر زیبا
۱۹۲	زیبایی طراحی کودکانه
۱۹۵	زیبایی های رنگ در نقاشی کودکان
۱۹۹	ترکیب های زیبای کودکانه
۲۰۹	نقش مضمون در نقاشی کودکان
۲۲۵	مضامین انقلاب اسلامی
۲۴۶	نقش آموزش هنر در تحولات فطری کودکان

۲۵۵ فصل هفتم؛ مروری بر آموخته هایی از هنر نقاشی کودکان

۲۶۱	سخن آخر
-----	---------

۲۶۲	فهرست منابع
۲۶۴	فهرست موضوعی
۲۶۸	فهرست نام ها

مقدمه پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

هنر اگر هنر باشد، از سرچشمه هستی اصیل انسانی، از آن خاک و خاستگاهی که ریشه همه فرهنگ‌های بشری در آن آرمیده است می‌بالد. ما به این بنیاد مشترک و اصیل به سیاق آیه «واقم وجهک للدين حنیفا فطرة الله التي فطر الناس علیها» می‌گوییم «فطرت». اینکه اثر هنری اصیل فراتر از تکرار مکان‌ها و زمان‌ها و اختلاف فرهنگ‌ها و زبان‌ها، بر جان‌ها اثرگذار بوده و دیدگان آدمیان را به افق مشترکی می‌گشاید، دلیل بر آن است که هنر اگر هنر باشد، لاجرم ریشه در فطرت الهی انسان دارد. البته آدمیان در طول سالیان و گذر از مراحل عمر، از آن فطرت نخستین دور شده و به تدریج هرچه بیشتر در پیچ و خم گوناگونی‌ها و ناهم‌سازی‌ها و ستیزه‌ها گم می‌شوند. در این میان کودکان به آن جهت که کمتر در آرایش زندگی روزمره درافتاده‌اند، به عهد ازلی آفرینش خویش نزدیک‌ترند و به تعبیر اهل معرفت «جدیدالعهد به ملکوت» اند که «کل مولود یولد علی الفطرة».

بر این مبنا نقوش ساده‌ای که کودکان بر کاغذ و دفتر نقاشی خویش می‌کشند، می‌تواند حکایتی از جان بی‌آرایش و ضمیر و فطرت پاک ایشان باشد و ما را به ژرفای هستی انسانی و به قلمرو همدلی آدمیان به‌رغم ناهم‌زبانی و ناهم‌زمانی ایشان رهنمون شود.

استاد فرزانه دکتر محمدعلی رجبی دوانی که هم دستی در وادی هنر و هم سری در سپهر نظر دارند، در این پژوهش ارزشمند، از دریچه نقاشی به درون سرزمین خیال و خلوت کودکان رسوخ کرده‌اند و از ره‌آورد این سیر و سیاحت، پرده از جلوه‌های زیباشناختی و تصویری فطرت الهی انسان برداشته‌اند. آموزه‌هایی که ارمغان این پژوهش است، می‌تواند نقاشی و هنرهای تصویری و تجسمی معاصر و نیز کل ساحت هنر معاصر را به درنگ در بنیاد مشترک هنرها دعوت کند. آن هم در روزگاری که هنرمندان هرچه بیشتر در معرض فراموشی خاستگاه یگانه تجربه هنری خویش‌اند.

هنر در عصر جدید نسبت خود را با جوهر هستی و حیات انسانی گم کرده یا به تعبیری در پرتو پریشانی و پراکندگی واقع در نفس انسانی، دچار پریشانی و پراکندگی شده است. آشکارترین جلوه این پریشانی، جدایی کانتی هنر از معرفت و اخلاق و به تعبیری زیبایی از راستی و درستی است. هنر در این عصر به هنر زیبا فروکاسته و بدین ترتیب محصور در حصار امر زیباشناختی باقی مانده است؛ البته این همه ماجرا نیست. امروزه باید گفت هنر دیگر حتی نسبتی مشخص با «زیبایی» ندارد و بدین ترتیب به نحو زایدالوصفی خصلت سوژکتیو پیدا کرده و به بنیاد هستی پشت کرده است. در چنین زمانه‌ای، رجوع به دنیای نقاشی کودکان می‌تواند چراغی باشد تا آدمی راه خانه دوست را که خانه خود اوست پیدا کند.

این پژوهش ارزنده که نتیجه کار گروهی شماری از پژوهشگران خوش فکر و خوش ذوق زیر نظر استاد رجبی دوانی است، هم دارای غنای تجربی و عینی و هم واجد ژرفای نظری و تحلیلی است. معمولاً جمع بین این دو جهت در آثار پژوهندگان ایرانی به ندرت واقع می‌شود. گستره مطالعه میدانی در این کار در کنار بینش نظری حاکم بر آن، این اثر را به ترازوی مثال‌زدنی رسانده است؛ به نحوی که طرح مفهوم فطرت در حوزه هنر را بر گستره‌ای از بررسی‌های روشمند از شمار بسیاری از آثار نقاشی کودکان مبتنی کرده و از آن سو در مرور آثار کودکان، به بینش نظری و رهیافتی معنابخش دست یافته است.

از ایشان و گروه دست‌یاران پژوهشی ایشان و نیز همه همکارانمان در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و انتشارات سوره مهر که دستی در تولید و نشر این اثر دارند سپاسگزاریم و توفیق همگان را در مسیر بسط ارزش‌های انسانی و فطری از خدای بزرگ خواستاریم.

سید حسین شهرستانی

مدیر گروه حکمت هنر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

پیش‌گفتار

سپاس بی‌کران، پروردگاری را که فطرت انسان را به خود وابسته نمود و با نفخه الهی خویش، جان ما را از سرچشمه مهرش لبریز کرد و نیوشای کلامش نمود. سرور کائنات، محمد مصطفی (ص) را از میان مخلوقات خود، جامه نبوت پوشاند و حقیقت او را «وجه باقی» و لایزال خود دانست و دوازده چشمه حیات دنیوی و اخروی را راهنمای بشر کرد تا در پیمایش طریق حق، ره به بیراهه نبرد و خانه از خاک بشناسد و راه آسمان برگیرد.

شکر و سپاس خداوند منان را که استقلال فکر و اندیشه و جانمان را به برکت خون شهیدان و هدایت امام راحلمان ارزانی داشت و زمینه را مساعد نمود تا پویندگان طریقت معنوی فرصتی یابند جلوه‌هایی از انوار قدسی حق را در مظاهری از عالم کون، به تحقیق آورند. سپاس خداوندی را که به جمع ما توفیق پیمودن راهی از راه‌های نورش را که افتاده در عالم کودکی و متجلی در معصومیت انسان است، عطا فرمود.

ضرورت شناخت هنر فطری کودکان یا به عبارت بهتر «هنر عصر کودکی انسان»، می‌تواند راهگشای بسیاری از پرسش‌های عمیق باشد که بشر امروز با نگرانی در جست‌وجوی پاسخ آن‌هاست؛ اما آنچه در این میان مشکل می‌نماید، روش‌های تحقیق و نتیجه‌گیری از آن‌هاست. روان‌شناسی، بیشترین سهم را در این باب بر عهده گرفته است؛ اما روش‌های متفرق و صرفاً تجربی با فرضیه‌های گوناگون

نتوانسته است تاکنون راهی را فراروی پویندگان این طریق بگشاید. هرازچندگاهی محقق با نفي نظريات و آرای متقدمان، آن‌ها را بی اعتبار می‌کند. در این میان گروهی نیز از طریق نظریه‌های زیبایی‌شناختی سعی کرده‌اند با آثار بکر هنر کودکان، به خصوص نقاشی‌های آن‌ها، مسیر طبیعی تحول روح کودک را شناسایی و طبقه‌بندی کنند. آن‌ها نیز گرفتار تئوری‌های زیبایی‌شناختی شده‌اند و عمدتاً با اصالت دادن به فرم، هرگونه نسبت وجودی کودکان با اموری و رای عوالم مادی را انکار می‌کنند. اصالت فرم و جزمیت در سیر تکوینی فرم‌ها، بدون توجه به عالم خیال منفصل انسان در عصر کودکی، صورتی قالبی را بر این تحقیقات تحمیل کرده است.

تقریباً اکثر محققانی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند، از دور، دستی بر آتش هنر نقاشی داشته‌اند؛ به خصوص اینکه اغلب آن‌ها تشخیص داده‌اند نقاشی و به‌ویژه طراحی کودکان بهترین طریق شناخت عالم پررمزوراز آن‌هاست. اگر محقق همچون نقاشان، ممارست دائمی با «طراحی» نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند به حاق زیبایی‌شناسی طراحی کودکان دست یابد و جز پوسته ظاهری آن آثار که همان جلوه ظاهری «طرح» است، چیز بیشتری بر او مکشوف نمی‌شود. مسئول این طرح جامع تحقیق، از خانواده نقاشان بوده و گروه تحقیق نیز اکثراً در رشته نقاشی و گرافیک تحصیل کرده و تجربیات ارزشمندی نیز در زمینه نقاشی کودکان داشته‌اند. به همین منظور، این تحقیق را در هر دو زمینه مطالعات نظری و بررسی‌های زیبایی‌شناختی درباره آثار کودکان، سامان داده‌اند.

از آنجایی که هر نوع تحقیق درباره آثار هنری، از جمله نقاشی، اعم از اینکه مربوط به مقطع سنی کودکی یا بزرگسالی باشد، منوط به اصالت دادن به اثر هنری است و ملاک هرگونه اظهار نظر باید متکی بر کل و جزء اثر باشد، این تحقیق بر پایه اعتبار بخشی به آثار کودک و معاشران باطنی او استوار شده است. طبقه‌بندی آثار کودکان را براساس نگرشی از پیش، انجام نداده‌ایم؛ بلکه این آثار و مطالب را براساس دو گروه «سنی» و «سطح هنری» دسته‌بندی کرده‌ایم. در طبقه‌بندی سنی، تا سه سالگی به صورت ماه به ماه و پس از سه سالگی به صورت سال به سال دسته‌بندی شده و در طبقه‌بندی سطح هنری، از مطالعات و تحقیقات در چگونگی تکوین رشد ذوقی انسان در عصر کودکی استفاده کرده‌ایم؛ از ابتدا تا سه سالگی، سه تا چهار سالگی، چهار تا شش سالگی، شش تا نه سالگی، نه تا دوازده سالگی، دوازده تا پانزده سالگی.

این تحقیق، درباره اولین دوره عصر کودکی، یعنی از ابتدا تا حدود چهار سالگی که مهم‌ترین و مشکل‌ترین بخش تحقیقات است، به نتایجی رسید که در این کتاب درباره‌اش بحث شده است. البته در تمامی بررسی‌ها تا این حدود «سنی» صرفاً بر آثار طراحی متمرکز بوده و به رنگ کمتر توجه شده است. از آنجایی که شناخت رنگ مستلزم علم رنگ‌شناسی و تجربه در ترکیب آن‌هاست، برای این مقاطع سنی نمی‌توان درباره رنگ مذاقه جدی داشت.

اما آنچه سبب ورود ما به بحث و تحقیق در باب هنر کودک بوده، گرایش به کشف طریق فطری شکل‌گیری هنر عصر کودکی است که زمینه‌ای بکر و دور از حجاب علوم رایج هنری است. دست تقدیر، ما را در مراحل تجسس هنری، با کتاب تجزیه و تحلیل هنر کودکان^۱ نوشته خانم رودا کلاگ^۲ آشنا کرد که بعدها متوجه شدیم این کتاب و تحقیق ارزشمند آن، از نمونه‌های بسیار مهم در این نوع تحقیقات است. آنچه در این کتاب توجه محقق را جلب کرده و مصراً آن را در این راه پی گرفته، نتیجه تحقیقی است که از تجزیه و تحلیل بیش از یک میلیون اثر نقاشی کودکان در زمانی قریب به بیست سال به دست آورده است.

یکی از نتایج این تحقیق، طرح دو مسئله مهم است: نخست اینکه نقاشی کودکان، گذشته از هر نوع تفاوت قومی و نژادی و فرهنگی، تا حدود پنج‌سالگی مراحل مشخص و یکسان را طی می‌کند. دوم اینکه این مراحل پس از گذشت از مرحله خط‌خطی‌های اولیه و پیدایش کهن‌الگوها (آرکتایپ‌ها)، نقش «خورشید» و سپس «انسان» و پس از آن «خانه» را شکل می‌دهد و در ادامه آن‌ها اشیای دیگر به پیدایی می‌آید. نتیجه تحقیق، آن هم در آن آزمایش بزرگ، می‌توانست پرسش‌های عمیق‌تری را به ذهن متبادر سازد.

سیر تکوین این نقوش، در صورت صحت تحقیق، مباحثی را در زمینه انسان‌شناسی و معرفت فطری انسان درباره عالم و آدم می‌طلبد. به این سبب لازم آمد به منظور آگاهی مستقیم از روند نقاشی کودکان در سه دهه اول پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اقداماتی صورت پذیرد تا هم درباره نتایج تحقیقات محققان اعتماد بیشتری حاصل شود و هم عالم خیال کودکان ایرانی را در دهه‌های نخست انقلاب اسلامی شناسایی کند. به این منظور تحقیقات گسترده‌ای را با همکاری جمعی از علاقه‌مندان به این موضوع آغاز کردیم.

برای شناخت هرچه بیشتر عمق حقیقت هنر عصر کودکی، پژوهش‌ها و بررسی‌های نظری در ابعاد گوناگون صورت گرفت و به منظور آگاهی از تجلیات مشابه عالم کودکی در سنن مختلف انسان، دامنه تحقیقات گسترش یافت. مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، در زمینه هنرهای پیش از تاریخ، اقوام بدوی، کهن‌سالان، خودآموخته‌ها^۳ و حتی بیماران روانی انجام شد. گرچه مشکلات و موانع بسیاری بر سر راه این تحقیق گسترده وجود داشت، با تلاش و جدیت گروه تحقیق، نتایج مناسبی به دست آوردیم.

این تحقیقات از نظر حکمی و فلسفی می‌تواند در اثبات «ذات ثابت» و علل بُعد و احتجاب انسان از این ذات ثابت کمک کند. از دیدگاه سیاست فرهنگی می‌توان تأثیر فرهنگ‌ها و تربیت‌های مختلف را شناسایی و طبقه‌بندی کرد و با آن دسته که مضر و مخل فرهنگ اصیل است، مقابله درست و بموقع کرد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، این تحقیقات می‌تواند به شناسایی توان ذاتی انسان در پذیرش علوم مختلف یاری رساند و از هدررفت عمر انسان‌ها، به خصوص در بهترین ادوار زندگی، یعنی دوره نوجوانی

1. Analyzing Children's Art

2. Rhoda Kellogg

3. naive

و جوانی که عصر بهره‌وری از نیروها و استعدادهاست، جلوگیری کند و در رشد کَمّی و کیفی جامعه مؤثر باشد. از نظر هنری، این تحقیقات اجمالاً می‌تواند نتایج ذیل را به دست دهد:

۱. شناخت مراحل شکل‌گیری طبیعی و فطری هنر نقاشی؛
۲. شناسایی و طبقه‌بندی مراحل ادراکات ذوقی و احساسات زیبایی‌شناختی انسان؛
۳. ایجاد زمینه مناسب برای برنامه‌ریزی صحیح آموزش هنر از سنین اولیه تا مراحل عالی؛
۴. آموزش علوم دیگر به وسیله هنر با توجه به شناخت ادراکات ذوقی و عقلی کودک در مراحل مختلف؛
۵. ایجاد زمینه‌ای مناسب برای شناسایی راه‌های صحیح تربیت از طریق هنر؛
۶. دستیابی به هنر فطری متعالی که پاسخ‌گوی نیازهای روحی و عاطفی انسان بوده و او را به سوی اصل و حقیقتش که همان مقام محمود انسان است، سوق دهد.

به این منظور جمع ۲۱ نفره از خواهران و برادرانی که در جست‌وجوی این حقیقت بودند و آنی نگاهشان را از چشم و دست کودکان برنداشتند و در این مسیر، گاهی مربی بودند و گاهی شاگردی کودک را کردند تا توانستند در هریک از مراتب تحقیق، همیار شوند و این مجموعه را که حاصل تلاش خستگی‌ناپذیر و منظم آن‌هاست گزارش کنند.

دوست داشتم کتاب را در مجلدات بسیار تهیه می‌کردم و به اشتیاق نقاشی‌های دل‌انگیز کودکان برای هر بحث، حتی مباحث فرعی، ده‌ها اثر از کودکان را قرار می‌دادم تا ضمن پیگیری مبحث فطری بودن هنر، مجموعه‌ای خوشایند و تاریخی، از چگونگی احوال و تخیلات و حساسیت‌های دختران و پسران سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی را نشان دهم؛ اما این مجموعه که پس از فترتی قریب بیست سال انجام گردیده، چکیده‌ای از فعالیت گسترده گروه است که اگر تشویق و حمایت ریاست محترم حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و مسئولان محترم پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی نبود، حاصل تحقیقات، سالبه به انتفاع موضوع می‌گردید. از این رو به رسم عهد و وفا از همه خواهران و برادران گروه تحقیق، به ویژه خانم‌ها: تابان فرزانه پور، محبوبه رزمجو، پرستو آذربایجانی و آقایان: دکتر حسین اسکندری، سیدکمال موسوی و دکتر حمیدرضا توسلی سپاسگزاری می‌کنم و توفیق و سعادت را برایشان آرزومندم و به روان پاک همکار هنرمندم، مرحوم هوشنگ عزیزی، شادباش می‌فرستم و از آقای محمدمهدی دادمان، ریاست محترم حوزه هنری و همکاران محترمشان در پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، خصوصاً برادران ارجمندم، آقایان: دکتر سجاد صفارهرندی و دکتر حسین شهرستانی، نهایت تشکر و امتنان را دارم و برای همه آن‌ها سلامت و موفقیت در امور فرهنگی و هنری را از خداوند متّان مسئلت می‌نمایم.

من الله التوفیق

محمدعلی رجبی دوانی

طبیعه سال ۱۴۰۲

مقدمه

شاید هیچ خاطره‌ای شیرین‌تر و به یادماندنی‌تر از خاطره کودکی در ذهن انسان نباشد. این خاطره‌ها همواره با شور و نشاط و صفا و صداقت همراه است. علایق «ثابت و مشترک» انسانی جز در عصر کودکی در هیچ عصری از زندگی انسان تجلی نمی‌کند. شاید بتوان چنین استدلال کرد که عصر کودکی دوره حاکمیت «دل» و آسودگی از حجاب عقل است؛ زیرا آنچه انسان‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، میزان ادراکات عقلی آن‌هاست که افعال و حتی انفعالات نفسانی آن‌ها را در عالم خارج شکل می‌دهد. زندگی انسان را می‌توان به ادوار مختلفی تقسیم‌بندی کرد. هریک از این تقسیم‌بندی‌ها می‌تواند براساس نظرگاه خاصی انجام پذیرد. در این میان می‌توان هنر و عوالم هنری را مبدأ و ملاک طبقه‌بندی ادوار زندگی انسان دانست. مبدأ و موطن هنر، دل انسان است و هنرمند همواره مشاهدات قلبی یا به عبارتی واردات قلبی خود را بازگو می‌کند. علم هنری که جزء لاینفک ایجاد اثر هنری و همواره دست‌وپاگیر بیان هنری است، براساس استنتاجات عقلی از تحولات قلبی هنرمند، شکل گرفته است. از آنجایی که دل، سرزمینی است که حدود مرز آن، سراسر اقلیم وجود آدمی است و عقل را یارای مشاهده تمامی سرحدات آن نیست، همواره اصول و قواعد هنری که منبعث از عقل حسابگر است، هرچند هم که نزدیک به فطرت انسانی باشد، باز مرتبه‌ای از حجاب را با خود به همراه دارد. از این رو عالم کودکی که تحت حاکمیت دل و غفلت از عقل است، عالمی هنری است که اولین و مهم‌ترین شرط آن، یعنی «صداقت» را فی نفسه با خود دارد.

براین اساس، تقسیم‌بندی ادوار زندگی، از دوره «دل‌آگاهی» آغاز می‌شود و سپس در عصر حاکمیت عقل، به دوره «خودآگاهی» می‌رسد و پس از آن، عصر خودآگاهی همراه با دل‌آگاهی ظهور می‌کند. به عبارت دیگر، ادوار زندگی انسانی در کشاکش عقل و دل، مراتب وجود بشر را از نفسانی‌ترین صورت‌ها تا عارفانه‌ترین جلوه‌ها بروز می‌دهد. هر مرتبه از تجلی دل یا عقل، با مراتب قبل متفاوت است و می‌توان براین اساس و با قیاس سیر تحولات قلبی و تکوین امور عقلی، هر دوره از زندگی انسان را واریسی نمود.

زمان کودکی را از این رو «دوره» یا «عصر» نامیده‌ایم که در طول این مدت، کودکان مراحل مشخص را با عوالم و روحیات خاصی پشت سر می‌گذارند که در مجموع، نسبت به ایام دیگر زندگی انسان، دارای ویژگی‌های متمایزی است. در نتیجه می‌توان در قیاس با ادوار تاریخ زندگی بشر، پرسش‌های جدیدی را نیز آغاز نمود و برخی از مجهولات تاریخ هنر و تمدن و حتی تفکر انسان را پاسخ داد. این تحقیق می‌تواند پایه‌ای برای تحقیقات وسیع انسان‌شناختی و حکمی و فلسفی در تمام وجوه و فروع آن باشد.

از آنجایی که در این تحقیق سعی کرده‌ایم این موضوع را بر اساس حکمت و تفکر عرفانی اسلام شناسایی کنیم، به منظور شناخت «مبادی» تحقیق، کار را با مشاهده دقیق و بررسی آثار تصویری کودکان، اعم از خط‌خطی‌ها و طراحی‌ها و نقاشی‌های آن‌ها آغاز کردیم و پس از مطالعه و مطابقت با آرا و نظریات محققان و مآثرگران‌های معنوی اسلامی، نتایجی به دست آوردیم.

روش تحقیق اسلامی سیر از ظاهر به باطن امور و سپس بازگشت به همان ظاهر و تفسیری بر مبنای هریک از ادوار باطنی است. در حقیقت، همواره سیر از غایات به مبادی و از مبادی به غایات است؛ زیرا در فرهنگ اسلامی، ظاهر عالم، تجلی حقیقتی ثابت بوده و «تحقیق»، سیر از این مظاهر به آن مبادی است که در آن مقام، حقیقت واحد امور، در حد تحقیق محقق، ظهور می‌یابد. این روش بدون توفیق ربانی نیز حاصل نمی‌شود؛ چنان‌که نظامی در آغاز منظومه خود گفت:

خداوند در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای

به هر حال کودکان، ادواری مشخص را پشت سر می‌گذارند که هر دوره ظهوری خاص را به نمایش می‌گذارد. این تجلیات هنری با دیگر تجلیات روحی و روانی و حتی جسمی وی هماهنگ است. هدفیلد^۱ می‌گوید: هرگاه کودک کلیه وسایل لازم را برای پرورش در یک مرحله در اختیار داشته باشد، به طور طبیعی به مرحله دیگر انتقال خواهد یافت. بنابراین نگرانی و ناراحتی بسیاری از والدین درباره اینکه یکی از این مراحل، فی‌المثل خودسری در سن دوسالگی یا استقلال طلبی در سن پنج یا شش سالگی، برای اینکه اندکی شدیدتر از حد معمول است و ممکن است برای همیشه دوام یابد، از هر حیث بی‌مورد است (۱۳۶۴: ۹).

در مقاطعی از سن هنری در عصر کودکی نیز همین اصل حاکم است. کودکان برای گذشت از هر مرحله به مرحله دیگر اصرار دارند. هیچ‌گونه تعلیمی در این باب نمی‌تواند آن‌ها را از این مراحل منحرف کند.

1. James Arthur Hadfield

فقط می‌تواند آن‌ها را دچار تشویش و نگرانی و دل‌زدگی از هنر نماید. در آزمایش تطبیقی که بین آثار کهن سالان و کودکان انجام داده‌ایم، مشاهده کردیم کهن سالان در مرحله اول، همچون کودکان در مقاطع مختلف سن هنری نقاشی می‌کنند. مثلاً دست‌ها و پاها را تصویرانسانی را از درون سربیرون می‌آورند. تنها تفاوت ایشان با کودکان این بود که وقتی به آن‌ها تذکر می‌دادیم که چرا دست و پا از سربیرون آمده است، کارشان را اصلاح کرده و برای انسان تنه ترسیم می‌کردند؛ اما وقتی به کودکان همین تذکر را می‌دادیم که این انسان چرا تنه ندارد، فقط برخی از آن‌ها یک بار این عمل را انجام دادند و در طرح‌های بعدی دوباره به وضع ثابت خویش بازگشتند که نشان از حاکمیت سیستم خاصی بر هنر آن‌هاست.

سیر نقاشی کودکان در سه دوره عمده شکل می‌یابد. این ادوار عبارت است از: «دوره تجریدی، دوره عقلانی، دوره آزادی». دوره تجریدی در حدود سه تا پنج سالگی ادامه می‌یابد. کودکان مرحله خط‌خطی‌ها و صور مثالی، همچون چلیپا، سواستیکا^۱، ماندالا^۲، مارپیچ و بسیاری از نقش‌مایه‌های تاریخ بشر را که از نظر زیبایی‌شناختی اهمیت دارد، پشت‌سرمی‌گذارند. این دوره مهم‌ترین دوره نقاشی کودکان است و شناسایی آن موجب می‌شود بتوان دیگر ادوار و نحوه تکوین آن‌ها را بازشناخت. در پایان این دوره است که اولین شکل‌ها یعنی «خورشید، انسان، خانه» ظهور می‌کند. این مظاهر در صورت‌هایی کلی و نوعی ظاهری می‌شوند و ارتباطی به صورت‌تکرار خود در عالم خارج ندارند. البته به استثنای خورشید که در عالم خارج نیز یکی بیش نیست. دوره تجریدی شامل ادواری فرعی است که کودک در هر دوره جلوه‌ای از شکل‌ها را ترسیم می‌کند. این جلوه‌ها عبارت است از «جلوه صورتی‌نشان، جلوه صورانی، جلوه حقایق نوعیه».

دوره عقلانی نیز با بیان این مطلب از طرف کودک که: «می‌خواهم بکشم؛ اما نمی‌توانم» اعلام و آغاز می‌شود. سردرگمی کودکان در این مرحله از این حیث است که عقل آن‌ها برای درک قواعد زیبایی‌شناختی اشیاء، به خصوص تناسبات، رشد نسبی پیدا کرده و سعی می‌کند آنچه را پیرامون خود مشاهده می‌کند، به تصویر بکشد؛ اما از آنجایی که این عمل مستلزم علم و آگاهی به موازین طراحی و تجربه کافی است، باید تحصیل رسمی نقاشی را آغاز نماید.

آخرین دوره ظهور نقاشی کودکان را دوره «آزادی» می‌نامیم. این دوره که با عصر بلوغ همراه است، نمایش کلیه تمایلات و خواست‌های انسان است و غالباً با عصیان علیه صورت‌های ماقبل‌ظاهر می‌شود؛ اما این دوره نسبت به ادوار قبل، از کمترین حجم عملیاتی هنرپروردار است.

متأسفانه در کشور عزیز ما از تحقیقات هنر کودک غفلت شده و گرچه برخی به تصویرگری کتاب کودکان و نوشتن داستان و مطالب آموزنده برای آن‌ها مشغول‌اند، کمتر به شناخت محققانه درباره هنر نقاشی کودکان برای آگاهی از عوالم کودک پرداخته شده است. تحقیقات محققان غربی مؤید این نکته است که نقاشی کودکان مبنای اصولی ثابت در بین کودکان جهان است؛ اما اوضاع اجتماعی و فرهنگی و حتی

۱. سواستیکا (Sevastika)

یا گردونه مهر، از نشان‌های تاریخی و نمادهای عصر امت واحد اقوام ایرانی است که در تمامی تمدن‌های بشری به کار گرفته شده و غالباً تصویری از خورشید تلقی شده است.

۲. ماندالا (Mandala) در

سانسکریت به معنی حلقه آفرینش، از کهن‌ترین نمادهای مذهبی بشر است که هم به عنوان رب‌النوع آن را می‌پرستیدند و هم از دیدگاه نظری، تجسم طبیعت الهی بوده است.

اقتصادی جوامع مختلف، در نوع تحولات و روند تکاملی نقاشی آن‌ها مؤثر است. این تحولات، به خصوص در دوره‌ی تصویرگری هنر کودکان که وضعیت روحی آن‌ها را در نسبت با محیط زندگی‌شان نشان می‌دهد، بسیار متفاوت و تأمل‌برانگیز است.

جامعه متحول و روبه‌رشد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات منبعث از تحرکات خارجی، همچون سال‌های جنگ تحمیلی، لزوم شناسایی «چگونگی» سیر تاریخ معاصر ایران را دوجندان کرده است. جای پرسش است که کدام زمینه و گستره علمی می‌تواند سهل الوصول‌تر از زمینه بکروصادق هنر کودکان، «سیر احوالی» تاریخ هر دوره از زندگی بشر را عیان کند. کودکان همواره با صدق شناخته می‌شوند و آنچه بروز می‌دهند، خارج از هرگونه حساس‌گری و سیاست‌زدگی است. به همین دلیل می‌توانیم برای شناخت «تاریخ احوالی» کشور عزیزمان، از طریق هنر کودک به نتایج مستندتری نسبت به دیگر مستندات تاریخی دست یابیم.

فصل نخست: تهیه مقدمات

تهیهات تحقیق

در اولین سال تحقیق، کمبود شدید منابع و به ویژه تحقیقات مدون، مهم ترین مشکل بر سر راه تحقیق بود. به ارگان های گوناگونی که تصور می شد به سبب مسئولیت فرهنگی شان، از منابع و تحقیقاتی برخوردار باشند، مراجعه کردیم؛ اما متأسفانه هیچ یک از آن ها در امر پژوهش هنر کودکان فعالیتی انجام نداده بود. دهه ۱۳۶۰ که مصادف با جنگ تحمیلی بود، تمامی توجه مسئولان، معطوف به مسائل پیش آمده بر اثر هجوم دشمن به کشور و تبعات آن بود. در آرشیوها هم اثری از منابع یا مطالعات و تحقیقاتی که پیش از پیروزی انقلاب انجام شده باشد، مشاهده نمی شد. کتاب های ترجمه شده و پایان نامه هایی را در دانشگاه ها یافتیم که می توانست در زمینه های گوناگون بحث ما، به کار آید.

در ابتدای تحقیق چنین به نظر می رسید که بهترین شیوه و مطمئن ترین راه برای حصول نتیجه درست، تحقیق از طریق آثار کودکان و سیر در حقیقت آن آثار باشد. بنابراین ضرورت دستیابی به آثار بکر، لازم به نظر می رسید؛ به خصوص اینکه مشکل ترین قسمت تحقیق که بیشترین پیچیدگی را داشت، تحقیق در چگونگی آثار کودکان حدود یک تا پنج سال بود که متأسفانه به دلیل دراختیار نبودن کودکان در این مقاطع، جمع آوری این دسته از آثار بسیار مشکل می شد.

بنابراین با توکل به خداوند و همکاری سازمان‌های دولتی و تلاش اعضای گروه و آزمون‌های خصوصی با کودکان خردسال و جمع‌آوری آثار کودکان در سنین مختلف، توانستیم در حدود سیصد هزار اثر از کودکان سراسر کشور را به مرور جمع‌آوری کنیم. این آثار مشتمل بر آثاری از کودکان در مقاطع سنی هشت ماه تا پانزده سال و همچنین کودکان شاهد و بی‌سرپرست و استثنایی بود.

آنچه از ابتدای این تحقیق در نظر گرفتیم، «مشاهده» مستقیم آثار نقاشی کودکان و «پرسش» از آن‌ها با توجه به «فراوانی» نقوش و اتکانکردن به هرگونه پیش‌داوری و تئوری‌ها و نظریه‌های اعلام‌شده قبلی بود. به این دلیل، اساس تحقیق بر مبنای آثار کودکان و طبقه‌بندی‌های مختلف قرار گرفت تا «آثار با ما سخن بگویند». تنها با توجه به نمونه‌های جدول‌های قیاسی این کتاب، می‌توان پاسخ‌های به نسبت درستی را به سؤال‌های طرح‌شده در زمینه هنر نقاشی کودکان ارائه نمود و از هرگونه حاشیه‌پردازی فاصله گرفت.

با توجه به مدخل‌های گسترده این تحقیق، شناسایی منابع آن نیز بسیار متنوع می‌نمود. به همین دلیل زمینه‌های مختلفی چون هنر به‌طور عام، هنر کودک، زیبایی‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و اخلاق اسلامی را بستر شناسایی کردیم.

حاصل کارگروه‌ها نیز چیزی بیش از ۲۵،۴۰۰ عدد فیش نوشتاری، حدود ۱۴،۰۰۰ عدد فیش تصویری و ۱۱۱،۷۰۰ قطعه عکس از آثار کودکان بود که همگی به صورت منابع در اختیار گروه تحقیق قرار گرفت. هرازچندگاهی که اطلاعات مربوط به یکی از مدخل‌های تحقیق به حد قابل قبول می‌رسید، مسئول گروه، آن‌ها را جمع‌آوری می‌کرد و به منظور تمرینی برای تألیفات آتی، آن‌ها را مدون می‌کردیم که این کار نیز به صورت رساله‌هایی جانبی درآمده است.

تحقیق در متون

پس از شناسایی منابع اولیه به زبان فارسی، فیش‌برداری را براساس مدخل‌های آماده‌شده آغاز کردیم و هم‌زمان کتاب‌ها و مقاله‌های غیرفارسی را نیز ترجمه می‌کردیم و این منابع برای فیش‌برداری در اختیار گروه تحقیق قرار می‌گرفت.

این تحقیق همان‌طور که مدخل‌های مختلف و متنوعی دارد، زمینه‌ای مناسب برای استنتاج و بهره‌وری‌های بسیار برای دیگر علوم انسانی می‌تواند باشد. برای مثال باستان‌شناسی می‌تواند برای حل معضل مباحث مربوط به پیدایش تمدن‌ها، از نحوه شکل‌گیری نقوش در دوران اولیه کودکی استفاده کند؛ زیرا اعصار تاریخ هنر بشر را می‌توان با سیر تحولات هنری عصر کودکی بازجست. ابوابی که برای ورود به بحث هنر کودک طراحی کردیم، به این قرار است:

۱. حکمت و عرفان اسلامی و نظریه‌های علم النفس و اخلاق در اسلام؛
۲. نظریه‌های روان‌شناختی جدید و مطالعه پژوهش‌های علمی در این زمینه؛
۳. مباحث زیبایی‌شناختی؛
۴. نقاشی‌های کودکان از هشت ماهگی تا پانزده سالگی؛
۵. نقاشی‌های کودکان استثنایی از اولین آثار تا نوزده سالگی؛
۶. نقاشی کودکان شاهد و یتیم و بی‌سرپرست؛
۷. نقاشی و طراحی کهن سالان؛
۸. آثار نگارگری اسلامی ایران؛
۹. شکل‌های تجربی در هنر و صنایع دستی اقوام مختلف جهان؛
۱۰. نقاشی اقوام بدوی؛
۱۱. نقاشی هنرمندان خودآموخته؛
۱۲. نقاشی‌های پیش از تاریخ و جهان باستان؛
۱۳. نقاشی بیماران روانی.

ملاک شناسایی و مدخل ورود به هریک از این هنرها براساس طبقه‌بندی مباحث و موضوعات به‌طور جداگانه و همچنین بر پایه نقوش و نقش‌مایه‌هایی است که در هنر کودکان به دست می‌آید. این ابواب به ما کمک می‌کند هرچه بیشتر و بهتر بتوانیم سؤالاتی را از زاویه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون درباره هنر کودک داشته باشیم که هریک از آن‌ها جلوه‌ای از حقیقت مستتر در آن‌ها را می‌تواند نمایان سازد. برای دستیابی به نتیجه مطمئن، بررسی‌ها و پژوهش‌هایی جنبی برای روشن‌تر شدن مسئله لازم به نظر می‌رسید. بنابراین با طرح زمینه‌هایی به نسبت جامع سعی کردیم به موضوعاتی دست یابیم که هریک از آن‌ها مدخلی برای ورود به بحث و تحقیق مستقل، اما جانبی برای این تحقیق به حساب آید. عناوین این موضوعات که تاکنون بررسی‌شان کرده‌ایم، به شرح ذیل است:

۱. بررسی تأثیرات تعلیمات دینی در مدرسه و رسانه‌های گروهی و اعتقادات مذهبی خانواده بر هنر نقاشی کودکان؛
۲. بررسی تأثیرات مشکلات خانوادگی بر نقاشی کودکان؛
۳. بررسی تأثیرات عوامل و اوضاع اجتماعی بر نقاشی کودکان؛
۴. بررسی تأثیرات نارسایی‌ها و بیماری‌های جسمی کودکان بر هنر نقاشی آن‌ها؛
۵. بررسی تأثیرات نقاشی کودکان در درمان نابسامانی‌های روحی آن‌ها؛
۶. بررسی نقش ابزار در تحول هنر نقاشی کودکان؛
۷. بررسی وجوه اشتراک و افتراق ذوق دختران و پسران از طریق آثار نقاشی آن‌ها؛
۸. شناسایی ادراک هنری کودکان از طریق طبقه‌بندی زیبایی‌شناسانه آثار نقاشی آن‌ها؛

۹. بررسی تطبیقی هریک از هنرهای یادشده با مقاطع سنی نقاشی کودکان؛

۱۰. بررسی موضوعی نقاشی کودکان؛

۱۱. بررسی روش‌های آموزش هنر به کودکان؛

۱۲. آموزش گرفتن از کودکان به منظور شناخت نحوه تخیل آن‌ها؛

۱۳. بررسی نقش کتاب‌ها و رسانه‌های گروهی بر هنر کودکان؛

۱۴. بررسی آثار هنر برای کودکان؛

۱۵. بررسی سیر تحول نقاشی کودکان و مطابقت نتایج آن‌ها در نسبت با هنر نگارگری اسلامی ایران.

مسئله انتخاب چنین روشی مشکلات بسیاری را به همراه داشت. گذشته از طولانی شدن زمان تحقیق و هزینه گزاف، همکاران متعدد با تخصص‌های گونه‌گون را نیز می‌طلبید. از سوی دیگر، بسیاری از این تحقیقات به صورت میدانی و آزمون گرفتن از کودکان محقق می‌شود که کار بسیار دشواری است. با این حال برای دستیابی به حاق هنر کودک که می‌تواند ما را در تمامی علوم، به خصوص علوم انسانی، راهنما باشد، چاره‌ای دیگر وجود ندارد و لازم بود محققان این مجموعه برای حصول نتیجه‌ای مطمئن، صبر و وقار علمی داشته باشند.

تحقیقات میدانی

تحقیقات میدانی از آن حیث اهمیت داشت که هرگز نمی‌توانستیم به کارهای محققان غربی اعتماد و اکتفای کامل کنیم. گرچه این عمل روند تحقیق ما را کند می‌کرد، مسلماً نتیجه کار، از اطمینان فراوانی برخوردار می‌شد.

بر این اساس دو گروه اجرایی تشکیل دادیم که یک گروه مسئول کلیه امور مربوط به شناسایی و جمع‌آوری و عکاسی از نقاشی‌های کودکان و فیش‌برداری تصویری از مفردات آثار و طبقه‌بندی آن‌ها شدند و گروه دیگر مسئولیت منبع‌شناسی و مصاحبه با استادان و صاحب‌نظران و مربیان هنری و همچنین پژوهش‌هایی مربوط به هنرهای مختلف و تماس نزدیک با کهن‌سالان و دریافت اثر از ایشان و یادداشت خاطرات و صحبت‌هایشان را بر عهده گرفتند.

برای تحقق این امر، مراکز مختلف آموزشی و تربیتی کودکان و همچنین محل‌های نگهداری کهن‌سالان را انتخاب کردیم و گروه تحقیق سال‌ها برای شناسایی احوال و آثار آن‌ها به فعالیت مستقیم مشغول شد. در آموزش مدرسه‌ای، گروهی چهارنفره به دو مدرسه رفتند و مدت یک سال به صورت منضبط تدریس کردند و حاصل مشاهدات و نظرات خود را مدون کرده، به گروه تحقیق اعلام کردند. همچنین ده‌ها دانشجو به کلاس‌های درس رفتند تا ضمن تدریس هنر به کودکان، حاصل مشاهدات خود را تهیه و اعلام کنند.